

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۵۰ - ۳۱

نسبت سنجی رابطه فقه و اخلاق با تأکید بر آموزه زکات در پرتوآیات و روایات

معصومه السادات حسینی میرصفی^۱

چکیده

دین اسلام با دارا بودن آموزه‌هایی در حوزه عقاید، فقه و اخلاق، رشد و سعادت انسان را رقم زده است. سازگاری میان این آموزه‌ها سبب فراهم نمودن زمینه‌ای برای تربیت انسان شده است. بنابراین در پیوند میان اخلاق و فقه، زمینه مناسبی برای اجرای تکالیف فقهی با زیربنای اخلاقی برای مسلمانان فراهم می‌آید. در این مقاله نگارنده به هدف پاسخ به این سؤال است که «رابطه فقه و اخلاق با تأکید بر آموزه زکات چگونه است؟»، و با استفاده از آیات و روایات معصومین (علیهم‌السلام)، به تبیین این رابطه با محوریت زکات پرداخته است. یافته‌های این تحقیق در دو سطح مبانی و فضیلت‌های اخلاقی آموزه زکات بیان شده است. این پژوهش از نظر هدف، پژوهش کاربردی و از نظر جمع‌آوری داده‌ها، یک پژوهش کیفی مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای است. از نظر روش پژوهش نیز توصیفی، تحلیلی می‌باشد.

واژگان کلیدی

نسبت سنجی، رابطه، فقه، اخلاق، زکات.

۱. استادیار، گروه الهیات، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: mirsafii@azad.ac.ir

پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۱۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۸

طرح مسأله

دین مبین اسلام، با توجه به ماهیت برنامه‌های تربیتی و اخلاقی که دارد، با ساختار وجودی انسان متناسب بوده و از آن جایی که انسان دارای ساحت فردی و اجتماعی است و تربیت فردی نیز می‌تواند در قالب اجتماع محقق گردد، لذا دین اسلام به عنوان دینی اجتماعی تربیت اخلاقی انسان را نیز مد نظر دارد. انسان موجودی مختار است و همچنین «اخلاق که با چگونگی رفتار و حالت‌های اختیاری انسان سروکار دارد، همواره جاذبه ویژه‌ای برای او داشته است و آدمی به دیده احترام در آن نگریسته است؛ و نهاد اخلاقی زندگی انسان، اساس و پایه تشکیل اجتماع و ظهور تمدن‌های بشری است» (جوادی، ۱۳۷۶ ش: ۵۶)

همچنین اسلام دینی اجتماعی نیز هست و در بیان علامه طباطبایی بر این نکته تأکید شده است که: «اسلام تمامی شئون اجتماعی است... و صفت اجتماعی بودن در تمامی آنچه که ممکن است به صفت اجتماع صورت بگیرد (چه در نوامیس و چه احکام) رعایت شده» است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۱۲۶/۲)

از آنجایی که دین اسلام، با بعثت رسول گرامی‌اش (ص)، تصویر کاملی از اخلاق را ارائه نموده است؛ بنابراین حضور پررنگ اخلاق در آموزه‌های فقهی و اعتقادی، نیز به چشم می‌خورد. اخلاق، همانند نوری امیدبخش، به زندگی مکلفین معنا می‌بخشد؛ و شرایط بروز و ظهور بسیاری از فضایل و رذایل اخلاقی در بستر اعمال و تکالیف و مسائل فقهی و نیز در ارتباط با زندگی اجتماعی افراد شکل می‌گیرد و اخلاق نیز بر عمل به آموزه‌های فقهی تأثیر می‌گذارد. بنابراین، توجه به بعد اخلاقی آموزه‌های فقهی، یکی از راه کارهای عمل مکلفین به بعد فقه است. علیرغم تمام تلاش‌های پژوهشی که در زمینه فقه و مسائل پیرامون آن صورت گرفته است، پیوند میان فقه و اخلاق به واکاوی بیشتری نیاز دارد؛ از این نظر که آموزه‌های فقهی، دارای ابعاد اخلاقی است این مقاله در صدد بیان مفاهیم اخلاقی آموزه‌های فقهی است و از آنجایی که زکات، به عنوان یکی از آموزه‌های فقهی مهم به شمار می‌رود؛ این نسبت سنجی از این طریق صورت می‌پذیرد.

مفاهیم

برخی از مفاهیم این مقاله به شرح زیر می‌باشد.

زکات

زکات در لغت به معنای رشد و نمو و پاکیزگی است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق: ۶/ ۶۵) و در اصطلاح شرعی اندازه مخصوصی از برخی از اموال است که با شرایط خاص خارج شده و به

مستحقین آن پرداخت می‌شود. (انصاری، ۱۴۱۵ ق: ۳) زکات از ضروریات دین است. (موسوی خمینی، ۱۴۲۵ ق: ۳۱۱/۱) و قرآن کریم نیز بر وجوب آن اشاره دارد. (التوبه، ۱۰۳) زکات، نوعی مالیات در حوزه فقه اسلامی است. زکات واجب به انعام ثلاثه شامل: گاو، گوسفند و شتر؛ غلات اربع شامل: گندم، جو، خرما و کشمش و نقدین شامل: طلا و نقره تعلق می‌گیرد؛ و بر مال التجاره و دیگر محصولات کشاورزی پرداخت زکات مستحب است. (طوسی، ۱۴۰۷ ق: ۴/۲) در «زکات»، رسیدن به حد نصاب و شرایط خاصی در زکات دهنده و پرداخت آن همواره مورد توجه فقها بوده است. (موسوی خمینی، ۱۴۲۵ ق: ۱/۳۴۰-۳۱۲)

اخلاق

از اخلاق متناسب با اهداف، در منابع، تعاریفی موجود است. یکی از آن‌ها به شرح زیر است. علم است به آنکه که نفس انسانی را چگونه خلقی اکتساب توان کرد که جملگی افعالی که به ارادت او از او صادر شود، جمیل و محمود بود. (طوسی، ۱۳۵۶ ش: ۴۸)

بنابراین از نظر ایشان علم اخلاق مبین صفت‌هایی است که انسان باید در خود ایجاد کند تا رفتارهای ارادی حاصل از این صفات نیک باشد. و لذا اجرای تکلیف فقهی مستلزم وجود صفات حمیده در انسان است و به طور نمونه با بررسی آیات و روایات پیرامون زکات در صدد هستیم که نشانه‌های زیست اخلاقی را در قبل، حین و انتهای تکالیف فقهی بیابیم.

نسبت سنجی رابطه اخلاق و فقه

برخی از محققین معتقدند که میان فقه و اخلاق اشتراکی وجود ندارد؛ فقه و اخلاق دو امر متباین هستند؛ و برخی دیگر نیز بر این باورند که میان فقه و اخلاق ارتباط و پیوند وجود دارد. بنابراین بسندگی به عمل به ظاهر دین و غفلت از باطن آن و جدایی میان احکام فقهی و معارف اخلاقی، می‌تواند دستیابی به مصالح شریعت را دچار خلل نماید. چنان که خداوند متعال در بیان آیات فقهی، توجهات اخلاقی را نیز لحاظ نموده اند؛ و این را می‌توان یک اماره از وابستگی این دو به هم در نظر گرفت. به طور نمونه در مساله فقهی طلاق، ملاحظات اخلاقی به صورت آشکارا دیده می‌شود.

الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَإِمْسَاكَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٍ بِإِحْسَانٍ وَلَا يَجِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ سُنِينَ إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ. (البقره، ۲۲۹)

طلاق، (طلاقی که رجوع و بازگشت دارد) دو مرتبه است؛ (و در هر مرتبه) باید به طور شایسته همسر خود را نگهداری کند (و آشتی نماید)، یا با نیکی او را رها سازد (و از او جدا شود). و برای شما حلال نیست که چیزی از آنچه به آنها داده‌اید، پس بگیرید؛ مگر اینکه دو همسر، بترسند که حدود

الهی را برپا ندارند. اگر بترسید که حدود الهی را رعایت نکنند، مانعی برای آنها نیست که زن، فدیّه و عوضی بپردازد (و طلاق بگیرد). اینها حدود و مرزهای الهی است؛ از آن، تجاوز نکنید! و هر کس از آن تجاوز کند، ستمگر است.

علامه طباطبایی این آیه را دلیلی بر ارتباط میان احکام فقهی و اخلاق می‌داند و در تفسیر آن می‌نویسد:

می‌توان گفت که آیه، اشعاری هم به این معنا دارد که صرف عمل به احکام فقهی، و جمود به خرج دادن بر ظواهر دین کافی نیست، برای اینکه احکام فقهی دین مانند اسکلت ساختمان است، اسکلتی که به هیچ وجه زندگی در آن قابل تحمل نیست، و احکام اخلاقی به منزله سفید کاری و سیم‌کشی و دکوربندی آن ساختمان است، مثلاً احکام فقهی و قانونی زناشویی، احکامی است خشن، که نه شوهر حق دارد به زن خود فرمانی دهد و نه زن حق دارد بدون اذن او از خانه در آید، ولی همین قوانین فقهی وقتی با احکام اخلاقی که اسلام در باب زناشویی داده توأم شد، آن وقت قانونی بسیار گوارا و قابل عمل می‌شود و نیز احکام فقهی راجع به عبادت و دعا و ذکر، اسکلتی است که مجرد آن انسان را به فرض دین که همان سعادت بشریت است نمی‌رساند، ولی وقتی این جسد توأم با روح و معنای عبادت شد که همان ورزیدگی و تزلزل‌ناپذیری روح است، آن وقت قوانینی خواهد شد که بشریت بی‌نیاز از آن نخواهد بود و هیچ قانونی جایگزین آن نمی‌شود. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۲/ ۲۳۵)

بنابراین نظر مختار با توجه به بررسی آیات و روایات معصومین (علیهم‌السلام) در حوزه زکات و استخراج مبانی و فضیلت‌های اخلاقی آن، دیدگاه وابستگی اخلاق و فقه، در این مقاله می‌باشد؛ و در این راستا به بیان مبانی و فضیلت‌های اخلاقی فقه با تأکید بر آموزه اجتماعی زکات می‌پردازیم.

مبانی اخلاقی آموزه فقهی زکات

واژه «مبنا» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱/ ۵۰۶؛ دهخدا، ۱۳۷۳ش: ۱۲/ ۱۷۷۴۱؛ حق شناس و همکاران، ۱۳۸۴ش: ۱/ ۶۳۷) که در زبان فارسی و عربی متداول است، از ریشه «ب، ن، ی»، به مفهوم «پایه، زیر ساخت، بنیاد، شالوده و اصول بنیادی» آمده است. برخی از مبانی پرداخت زکات ناظر به مبانی هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی به شرح زیر است.

سلسله مراتبی بودن هستی

یکی از مبانی هستی‌شناسی این است که هستی در نگاه قرآن، دو بعدی و مشتمل بر دنیا و آخرت است؛ همان‌گونه که در آیه شریفه می‌فرماید:

وَإِنْ كُلُّ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ (الزخرف، ۳۵)

ولی تمام اینها بهره زندگی دنیاست، و آخرت نزد پروردگارت از آن پرهیزگاران است! بنابراین توجه به این مبنای اخلاقی در پذیرش و توجه به آموزه زکات بسیار مهم است. زکات، دوراندیشی خداوند برای احقاق عدالت و سامان امور اقشار آسیب پذیر و بقاء جامعه اسلامی برای حاکمیت توحید در پهنه گیتی می باشد. همان گونه که پیامبر خدا (ص) در یک امر فقهی می فرماید که: «ای مردم! زکات اموال خود را بپردازید»؛ (صابری یزدی و همکاران، ۱۳۷۵ش: ۳۱۵) مسلمانان با توجه به این مبنای اخلاقی که دنیا و آخرت سازنده سعادت او هستند با اعتقاد راسخ اقدام به عمل به یک فریضه فقهی می نمایند. او به پاسداشت مقام کرامت انسان، و برای اعتلا بخشیدن به مقام اخلاق و به یمن اصل انصاف، از حال مسکینان به نام بلند و رسای زکات، دستگیری می کند تا از آنها برای زمان عنقریبی که پیش رو دارد، دستگیری شود. امام صادق (ع) می فرماید:

هر کس زکات خود را ندهد، هنگام مرگ آرزوی بازگشت به دنیا می کند، (صدوق، ۱۴۰۶ق: ۲۳۵) و این است معنای سخن خداوند: حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ. (المؤمنون، ۱۰۰-۹۹) یعنی تا آن گاه که مرگ یکیشان فرا رسد، می گوید: پروردگارا، مرا باز گردانید، شاید من در آنچه بر جای نهاده ام کاری شایسته کنم.

واقع گرایی اخلاقی

یکی از مبناهای اخلاقی که در عمل به فرائض فقهی موثر می باشد، واقع گرایی اخلاقی است. در تعریف واقع گرایی آمده است که: «واقع گرایی در اخلاق به این معناست که ارزش و لزوم اخلاقی واقعیت عینی دارند و جملات اخلاقی واقع نما هستند یعنی صرف نظر از دستور و توصیه، احساس و سلیقه و توافق و قرارداد از واقعیت عینی سخن می گوید» (مصباح یزدی، ۱۳۸۴ش: ۳۱-۳۰) بر همین اساس می توان گفت قضایا و مسائل اخلاقی در حوزه آموزه های فقهی، مانند زکات، واقع نما و ناظر به ملاک های عینی و نفس الامری هستند.

بنابراین، این قضایا، فقط به منظور بیان اموری نظیر امیال، نگرش ها، باورها و قراردادهای نیست؛ بلکه متکی به پشتوانه اخلاق مطلق است. با بررسی برخی از آیات و روایات در مورد آموزه زکات، واقع نمایی اخلاقی قابل احصاء است؛ و در حقیقت مبرهن است که میان افعال انسان و نتایج مترتب بر آن فعل، روابطی عینی و واقعی به پشتوانه روابط تکوینی و مصالح حقیقی برقرار است.

امام صادق (ع) درباره تبعات منفی، عدم پرداخت زکات می فرماید:

إِنَّ الشَّيْعَةَ وَ لَوْ أَجْمَعُوا عَلَىٰ تَرْكِ الزَّكَاةِ لَهْلَكُوا؛ (حکیمی و همکاران، ۱۳۸۰ش: ۱/ ۴۴۶)

اگر شیعیان همگی زکات را ترک کنند هلاک خواهند شد.

و این گونه است که اگر مالی نتواند موجبات دفع تهدیدات بیرونی و درونی را فراهم بیاورد و ابزاری برای رسیدن به اهداف عالیه اسلام و حیات طیبه نگردد، مالی بد ارزیابی می‌گردد. همانگونه که امام علی(ع) در این باره می‌فرماید:

شَرُّ الْمَالِ مَا لَمْ يَنْفِقْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ مِنْهُ، وَ لَمْ تَوْدَّ زَكَاتَهُ؛ (همان، ۷۰/۵)
بدترین مال آن است که در راه خدا انفاق از آن صورت نگرفته باشد، و زکات آن خارج نشده باشد.

بنابراین مسلمانان با توجه به این مبنای اخلاقی نسبت به اثرات مترتب بر انجام یا ترک فعل آموزه های فقهی، آگاهی می یابند و از این طریق مسیر سعادت خود را رقم می زنند. پیامبر خدا(ص) فرمود:

مَنْعَ الزَّكَاةِ فِي النَّارِ؛ (صابری یزدی و همکاران، ۱۳۷۵ش: ۳۲۰)
کسی که زکات نمی‌دهد در آتش است.

تأثیرگذاری عمل انسان در هستی

یکی از مبانی اخلاقی که در عمل به آموزه های فقهی موثر است این است که انسان به دلیل اختیار، عملش در محاسبات هستی مؤثر در نظر گرفته می شود. از آن جایی که انجام اعمال، دارای آثار فردی و اجتماعی است، به عنوان یک مبنا مورد توجه قرار گرفته است. خداوند متعال در این باره می‌فرماید:

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ. (الأعراف، ۹۶)

و اگر اهل شهرها و آبادیها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم؛ ولی (آنها حق را) تکذیب نمودند؛ ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات نمودیم.

این آیه «دلاله دارد بر اینکه افتتاح ابواب برکتها مسبب از ایمان و تقوای جمعیتها است، نه ایمان یک نفر و دو نفر از آنها، چون کفر و فسق جمعیت، با ایمان و تقوای چند نفر، باز کار خود را می‌کند». (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۸ / ۲۰۱)

بنابراین یکی از راههای حراست بندگان از اثرات وضعی گناهان، توجه و عامل بودن همگان به ارکان مطرح شده در دین مبین اسلام است؛ که در صورت بی‌ رغبتی هر یک از افراد مکلف در جامعه اسلامی به انجام کارهای نیک ابرهای تیره ناشی از ترک و بی‌ توجهی بر آن جامعه سایه خواهد افکند؛ و در چنین حالتی افراد کاهل به دلیل عدم اجرای فرامین در برابر تکوین به دلیل اثر وضعی ترک فضایل، نیز دارای مسئولیت اخلاقی خواهند بود. پیامبر اکرم(ص) در مورد عدم

مسئولیت‌پذیری در پرداخت زکات و اثر آن بر تکوین فرمودند:

وَمَا مَنَعَ قَوْمٌ الزَّكَاةَ إِلَّا حُبُّ الْقَطْرِ؛ (دیلمی، ۱۴۱۲ق: ۷۱/۱)

اگر زکات ندهند، باران کم می‌بارد.

و همچنین امام رضا (ع) در این باره فرمود:

وَ إِذَا حُبِسَتْ الزَّكَاةُ مَاتَتِ الْمَوَاشِي؛ (مفید، ۱۴۱۳ق: ۳۱۱)

چون زکات داده نشود چهار پایان می‌میرند.

بنابراین در صورتی که مسلمانان به این مبنای اخلاقی توجه داشته باشند که عمل آنها در هستی تاثیر گذار است بنابراین عمل به آموزه های فقهی را آگاهانه تر انجام می دهند. بنابراین با استناد به آیات و روایات حوزه زکات، مبرهن است که زکات یکی از آن دسته از فرامینی است که اگر ترک گردد، اثر وضعی آن در هستی به خوبی مشهود است؛ به گونه ای که از این ترک فعل، کل جامعه اسلامی متضرر خواهد شد.

فضیلت های اخلاقی آموزه فقهی زکات

قابل ذکر است که اگر این مبانی اخلاقی در زندگی مسلمانان نقش آفرینی نماید و بنای اعتقادی آنها را بسازد عمل به تکالیف فقهی آسان تر خواهد بود و اگر مکلفین به تکالیف فقهی خود عمل نمایند فضیلت های اخلاقی در جامعه بروز بیشتری خواهد داشت. و این تاثیر که اخلاق بر فقه دارد، فقه نیز بر اخلاق و رشد فضائل خواهد داشت. لذا با بررسی آیات و روایات معصومین (علیهم السلام) در مورد آموزه زکات، علاوه بر جنبه فقهی، مفاهیم اخلاقی نیز، قابل احصاء هستند که در این قسمت، این واکاوی صورت می پذیرد، تا رابطه فقه و اخلاق نشان داده شود.

عدالت

جامعه صالح، جامعه ای است که بر اساس عدالت، بنا شود و یکی از پایه های آن، عدالت اقتصادی است. یکی از روش های برقراری این عدالت، پرداخت زکات و مصرف آن برای مستحقین زکات است. رسول خدا (ص) می فرماید:

أَنَّ اللَّهَ قَدْ افترض عليهم صدقة تؤخذ من أغنيائهم فتردّ على فقرائهم؛ (خرمشاهی و همکاران، ۱۳۷۶ش: ۵۳۰)

خداوند زکات را نیز بر آنان واجب کرده است که از ثروتمندانشان گرفته و به بینوایانشان داده می‌شود.

هنگامی که توزیع درآمدها عادلانه باشد، فقر مطلق کاهش پیدا می‌کند و همه افراد جامعه می‌توانند به حداقل نیازهای اساسی دسترسی پیدا کنند. بنابراین فرد غنی در این برنامه تربیتی به

عنوان عضوی مؤثر در شکوفایی اقتصادی و اجتماعی ایفای نقش نموده و دیگر ثروت در دستان او به عنوان ذخیره راکد، باقی نمی‌ماند. بنابراین زکات فقط یک آموزه فقهی صرف نیست بلکه با عمل به آن می‌توان عدالت را که یک فضیلت اخلاقی است، محقق نمود.

تقویت تعلق به ساختار ولایی

یکی از عوامل بروز اختلاف‌ها و صدمه‌رسان به فضای وحدت بخش جامعه اسلامی، مشکلات مالی درون جامعه اسلامی است. یکی از اجزای سبک زندگی اسلامی، عمل بر اساس احساس تعلق خاطر و ارتباط مناسب با اعضای جامعه اسلامی و آگاهی از اوضاع اقتصادی و کمک به آنان بر اساس انسان‌دوستی و تکلیف است. امام صادق(ع) در این باره می‌فرماید:

لَا يَجِلُّ أَنْ تُدْفَعَ الزَّكَاةُ إِلَّا إِلَى أَهْلِ الْوَلَايَةِ وَالْمَعْرِفَةِ؛ (مجلسی، چاپ مکرر: ۱۰ / ۲۲۴)
زکات را نمی‌توان پرداخت مگر به کسانی که اهل ولایت و معرفت باشند.

بنابراین پرداخت زکات در جامعه اسلامی با رویکرد شبکه‌سازی هدفمند میان انسان‌هایی با دیدگاه‌های اعتقادی مشترک، با تکیه بر دلبستگی ولایی‌اشان، سبب تقویت همبستگی بافت درونی جامعه در پرتو اتحاد می‌شود که این اتحاد و همبستگی فضیلت اخلاقی ارزشمندی است که در سایه سار فقه محقق می‌گردد.

خدمت رسانی به مردم

خدمت رسانی به مردم یکی از فضائل اخلاقی است که باعث ایجاد فضای همدلی، در جامعه می‌شود. در کلام امام صادق(ع) آمده است که ایشان، می‌فرماید:

الْمُؤْمِنُونَ خَدَمُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ؛ فَقُلْتُ كَيْفَ يَكُونُ خَدَمُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ؟ قَالَ نَفَقَتْهُمْ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ؛ (مجلسی، چاپ مکرر: ۷۱ / ۲۲۶)

مؤمن خدمتکار هم‌دیگرند، راوی گفت: من گفتم به یکدیگر چه خدمتی کنند؟ فرمود: هزینه یک دیگر را بدهند.

بنابراین پرداخت زکات، نوعی از کمک کردن به منظور برآوردن نیازهای مؤمنان؛ احسان به فقرا، اهتمام به امور مسلمانان، یاری رساندن به گرفتاران، ایجاد سرور در قلوب آنان و ... است. و از این روست که با پرداخت زکات جامعه متبلور از این فضیلت اخلاقی می‌گردد. امام رضا(ع) درباره فلسفه پرداخت زکات می‌فرماید:

لَأنَّ اللهَ تبارک و تعالی کَلَّفَ أَهْلَ الضَّحَّةِ الْقِيَامَ بِشَأْنِ أَهْلِ الزَّمانَةِ وِالبُلُو؛ (حکیمی و همکاران، ۱۳۸۰ش: ۲ / ۱۵۸)

... علّت زکات ... آن است که خداوند متعال، مردمان سالم را به رسیدگی به کارهای مردمان زمین‌گیر و گرفتاران مکلف ساخته است.

بنابراین پرداخت زکات علاوه بر یاری رسانی به فقرا، می تواند موجب تقویت بنیه های دینی جامعه گردد و به تبع آن، صلابت دین را به ارمغان آورد. امام رضا(ع) در بیان نتایج مترتب بر پرداخت زکات، به این فضیلت اخلاقی اشاره دارد و چنین می فرماید که:

إِنَّ عِلَّةَ الزَّكَاةِ مِنْ أَجْلِ قُوتِ الْفُقَرَاءِ... وَالْمَعُونَةِ لَهُمْ عَلَى أَمْرِ الدِّينِ؛ (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹ ق: ۴/ ۲۶۶)

دلیل پرداخت زکات، قوت فقرا، ... و کمک رسانی به آنان در امور دینی(آنها) است.

دعوت به انجام خیرات

شکوفایی اقتصادی و اجتماعی، زمانی رخ می دهد که ذخیره و احتکار ثروت از میان ثروتمندان جامعه اسلامی رخت بر بندد و جای خود را به جریان سالم اقتصادی دهد و یکی از اموری که می تواند این امر را محقق کند، پرداخت زکات می باشد. وقتی درآمد سرشار کسانی که باید زکات بپردازند، در امور مهم صرف شود کل جامعه اسلامی از آن منتفع می گردد؛ در این صورت عدالت واقعی رخ می نماید. دعوت به پرداخت زکات در سیره امام صادق (ع) با این بیان شریف آمده است که:

يَا مُفَضَّلُ قُلْ لِأَصْحَابِكَ يَصْعَوْنَ الزَّكَاةَ فِي أَهْلِهَا وَ إِنِّي ضَامِنٌ لِمَا ذَهَبَ لَهُمْ؛ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۵۱۴)

ای مفضل! به یارانانت بگو: زکات را به دست اهلس برسانند و من ضامن آن چیزی هستم که از دست آنها رفته است.

بنابراین برای دستیابی به این مهم، دعوت به انجام این خیر، از لوازم ضروری می باشد که این فضیلت اخلاقی در سفارش مؤکد معصومین (علیهم السّلام) آمده است و رابطه مندی فقه و اخلاق را مشهود می نماید.

آسان گیری در انجام تکلیف

در مسأله زکات، خداوند متعال، به شرایط و احوالات مستحقین و پرداخت کنندگان، هر دو، توجه داشته است؛ و این خود روشی برای دلگرمی و جذب حداکثری فقرا و اغنیاء به دین؛ و تقویت بنیان همیاری اجتماعی است. از امام باقر(ع) روایت شده است، که فرمودند:

إِذَا أَخْرَجَ الرَّجُلُ الزَّكَاةَ مِنْ مَالِهِ ثُمَّ سَمَّاهَا لِقَوْمٍ فَضَاعَتْ أَوْ أَرْسَلَ بِهَا إِلَيْهِمْ فَضَاعَتْ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ؛ (صدوق، ۱۴۰۴ق: ۲/ ۳۰)

هر گاه شخص زکات را از مال خود خارج کند، و آنگاه آن را به نام قومی نامگذاری نماید، یا آنکه آن را برای ایشان بفرستد و تلف شود، غرامتی به او تعلق نمی گیرد. از این روست که در صورت بروز هرگونه پیشامدی نظیر تلف مال، از پرداخت دوباره معاف و

با قاعده اخلاقی آسان‌گیری بر مکلفین وظیفه‌ای برای جبران دوباره نیست. همچنین دایره شمول این آسان‌گیری گسترده بوده و خداوند با شرایط خاصی رعایت حال صاحبان مال را می‌نماید. امام رضا (ع) می‌فرماید:

لَا زَكَاةَ عَلَى يَتِيمٍ؛ (کلینی، ۱۳۶۳ ش: ۳/ ۲۰۵)

مال یتیم زکات ندارد.

بر همین اساس و با لطف اخلاقی، آن‌ها را از این پرداخت مالی، معاف نموده است. بنابراین ضمانت‌های اخلاقی در عمل به تکالیف فقهی و این فضیلت آسان‌گیری، اشتیاق به فقه را بیشتر می‌نماید.

داروی رذایل اخلاقی

زکات، با دارا بودن آثاری که از آن جمله، رشد فضایل اخلاقی و دوری از گناهان است؛ در زندگی فردی و اجتماعی حائز اهمیت است. دوری از لغزش‌های اقتصادی، یکی از ویژگی‌های پرداخت‌کنندگان زکات است. به گونه‌ای که خبر از یک زیست مؤمنانه را می‌دهد. چنان که موسی بن جعفر (ع) فرمود:

مَنْ أَخْرَجَ زَكَاةَ مَالِهِ تَامًا فَوَضَعَهَا فِي مَوْضِعِهَا لَمْ يُسْأَلْ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَ مَالَهُ؛ (صدوق، ۱۴۰۶ ق: ۴۶)

هر کس زکات مالش را درست خارج کند و آن را در مورد صحیحش به مصرف رساند یعنی به اهل و مستحق آن برساند از او سؤال نخواهد شد که از چه راه آن را به دست آورده (زیرا کسی که به زکات معتقد است و اهل آن را می‌شناسد هرگز حاضر نیست از راه غیر مشروع مالی بدست آورد).

در دین راههای مختلفی برای پاک‌سازی گناهان، توصیه شده است؛ و یکی از آنها، پرداخت زکات است. زکات؛ پاکسازی جامعه از فساد اخلاقی، اقتصادی، فرهنگی و... است. همان گونه که رسول خدا (ص) می‌فرماید:

وَمَنْ أَدَّى الزَّكَاةَ مِنْ مَالِهِ طَهَّرَ مِنْ ذُنُوبِهِ؛ (مجلسی، چاپ مکرر: ۳۰۹/ ۷۱)

و هر که زکات مالش را بدهد از گناهانش پاک شود.

همچنین این مسأله به اندازه‌ای مهم است که خداوند در این آیات به پیامبر اکرم (ص)

دستور می‌دهد که:

خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا؛ (التوبه، ۱۰۳)

از اموال آنها صدقه‌ای (به عنوان زکات) بگیر، تا به وسیله آن، آنها را پاک‌سازی و پرورش

دهی!

در تفسیر این آیه به دو قسمت از فلسفه اخلاقی و روانی و اجتماعی زکات اشاره شده است که: «تو با این کار آنها را پاک می کنی و نمو می دهی» (تُطَهِّرُهُمْ وَ تَزَكِّيهِمْ بِهَا) آنها را از ردائیل اخلاقی چون دنیا پرستی، بخل و امساک پاک می کنی، و نهال نوع دوستی، سخاوت و توجه به حقوق دیگران را در آنها پرورش می دهی. همچنین مفاسد و آلودگی هایی که به خاطر فقر و فاصله طبقاتی و محرومیت گروهی از جامعه به وجود می آید، با انجام این فریضه الهی برمی چینی، و صحنه اجتماع را از این آلودگی ها پاک می سازی؛ و نیز همبستگی اجتماعی، نمو و پیشرفت اقتصادی در سایه این گونه برنامه ها تأمین می گردد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش: ۸/ ۱۱۸-۱۱۷)

پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمودند:

بريء من الشَّحِّ مَنْ أَدَّى الزَّكَاةَ وَ قَرَى الضَّيْفَ وَ أَعْطَى فِي النَّائِبَةِ؛ (پاینده، ۱۳۸۲ ش: ۳۷۲) هر که زکات خود را بپردازد و مهمان به خانه ببرد و هنگام سختی بخشش کند از بخل بر کنار است.

و این گونه است که زکات، گناهی را پاک و زمینه پرورش فضیلت اخلاقی دیگری را فراهم می آورد و این گونه فقه به عنوان کمک رسانی فعال در کنار اخلاق می ایستد.

اهتمام به امور مساکین

یکی از اصلی ترین علل تهدیدهای اجتماعی، توزیع ناعادلانه ثروت و امکانات و پیدایش طبقه فقیر و ثروتمند است. توجه به وضعیت معیشت فقرا و مساکین، یکی از وظایفی است که رسول خدا (ص) به آن اهتمام دارد و خود را مأمور به انجام آن، معرفی می کند و می فرماید: أَمَرْتُ أَنْ أَخْذَ الصَّدَقَةَ مِنْ أَغْنِيَاءِ كَمْ فَأَرَدْتُهَا فِي فَقَرَاءِ كَمْ؛ (طباطبایی، ۱۳۷۸ ش: ۸۰ / ۱) من مأمورم که زکات را از ثروتمندان بگیرم و به نیازمندان برسانم.

بنابراین چون آثار گوناگون فقر در جامعه اسلامی و ظهور یأس و ناامیدی، فقرزدایی را به عنوان یکی از اولویت های برنامه های اقتصادی جامعه اسلامی نمایان می سازد، حاکم جامعه اسلامی برای انجام آن وظیفه ای خطیر دارد. از این روست که زکات، نویدی برای امید به زندگی برای فقرا و مساکین خواهد بود؛ تا حاکمیت سرمایه نتواند ارزش والای انسان را لگدکوب نماید.

تبلور انصاف

اجرای برنامه مالی زکات، علاوه بر تعدیل ثروت، زمینه ساز پرورش اخلاقی مسلمانان برای دستیابی به مکارم اخلاقی می باشد. مفضل بن عمر گوید: در خدمت امام صادق (ع) بودم، شخصی از او پرسید که در چه اندازه از مال زکات واجب می گردد؟ حضرت به او فرمود:

الرَّكَاهُ الظَّاهِرَةُ أَمْ الْبَاطِنَةُ تُرِيدُ قَالَ أَرِيدُهُمَا جَمِيعاً فَقَالَ أَمَّا الظَّاهِرَةُ فَفِي كُلِّ أَلْفٍ خَمْسَةٌ وَ عِشْرُونَ دِرْهَمًا وَ أَمَّا الْبَاطِنَةُ فَلَا تَسْتَأْذِرُ عَلَى أَحِيكَ بِمَا هُوَ أَحْوَجُ إِلَيْكَ مِنْكَ؛ (صدوق، ۱۴۰۳ق: ۱۵۳)

زکات ظاهری یا زکات باطنی، مقصودت کدام است؟ گفت: هر دو را می‌خواهم بدانم، فرمود: اما آشکار آن، پس به هر هزاری، بیست و پنج درهم تعلّق می‌گیرد، و اما زکات باطنی، آن است که آنچه را برادرت به تو نیازمندتر است به خود اختصاص ندهی و خود را مقدّم ندانی بلکه او را جلو بیندازی.

و این همان اخلاق انصاف است که مسلمان زکات دهنده، با ارائه بهترین خدمات مالی از نظر کمی و کیفی به اعضاء جامعه ایمانی اش، به مبارزه با خودخواهی می پردازد. همان گونه که تجلی انصاف در زکات را خداوند متعال این گونه سفارش نموده است که: و ألحق بها ما هو منها زكاة القربان من طيب المال؛ (عاملی و کاظمی خلخالی، ۱۳۸۰ش: ۶۵) به خویشان فقیر و مسکینان از بهترین اموال زکات بده.

فرد زکات دهنده، با جوانه زدن محبت دیگران در درون وجودش، ریشه‌های نفرت‌انگیز رفتارهای سودگرایانه را با تهذیب نفس می خشکاند و با بذل بهترین قسمت از اموال خود و احسان با برترین ذخایرش به عضوی مؤثر و خدوم برای جامعه‌اش بدل می گردد.

حمایت در سایه عزت

زکات، به عنوان عاملی برای حمایت اجتماعی از افراد جامعه اسلامی و رفع احتیاجات فقرا و مساکین است. از این روست که این حمایت، باید به گونه‌ای پرداخت گردد که آثار سرشکستگی در دریافت کننده زکات، ایجاد نگردد.

رفتار پرداخت کننده زکات، باید به این صورت باشد که هر یک از مستحقین دریافت زکات، از اینکه دین اسلام، زکات را برای حمایت از آنها قرار داده، بر خود ببالند و احساس عزتمندی، بزرگی و کرامت داشته باشند. اسحاق بن عمار می‌گوید: امام صادق (ع) به من فرمود: چون وقت زکات مالت فرا رسد آن را چگونه می‌پردازی؟ گفتم: مستحقین آن خود به من مراجعه کرده به ایشان می‌پردازم، حضرت فرمود: ترا جز این نمی‌بینم که مؤمن را خوار ساخته‌ای زنه‌ار زنه‌ار که خدا می‌فرماید: کسی که دوست مرا خوار سازد با من به محاربه برخاسته است. (مفید، ۱۴۱۳ق: ۱۹۵)

امام محمد باقر (ع) در پاسخ به سوال کننده‌ای که درباره نحوه پرداخت زکات پرسشی داشت، ضمن توجه به حفظ کرامت انسانی فرمودند:

الرَّجُلُ مِنْ أَصْحَابِنَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَأْخُذَ مِنَ الزَّكَاةِ فَأَعْطِيهِ مِنَ الزَّكَاةِ وَ لَا أَسْمِي لَهُ أَنَّهَا مِنْ

الرَّكَاءَ فَقَالَ أَغْطِهِ وَ لَا تُسَمِّ لَهُ وَ لَا تُذِلَّ الْمُؤْمِنُ؛ (صدوق، ۱۴۰۴: ۱۳/۲)

مردی از یاران ما شرم می کند که زکات بگیرد و من می خواهم زکات خود را به او بدهم، آیا لازم است به او بگویم که این زکات اموال است؟ حضرت در جواب فرمود: عملی که خدا بر تو واجب فرموده، انجام بده، ولی مؤمن را خوار مکن!

بنابراین پرداخت زکات و دریافت آن زمانی به ثمر می نشیند که اخلاق دست در دست فقه گذاشته تا ثروتمند متواضع، فقیر با آبرو را حمایتی عزت مندانه نماید.

انفاق به مستحقین

دین مبین اسلام، همان طور که برای افراد حقوقی مقرر نموده، برای اجتماع نیز حقوقی مقرر داشته است. زکات، حقی است که جامعه اسلامی در جهت اعتلایش، نیازمند به این پشتوانه مالی است. توجه به نحوه مصرف زکات، یکی از اهم مسائل است. امام باقر(ع) بر رعایت و رساندن این حق به صاحبان حقوق مذکور می فرماید:

إِنَّ الضَّعْفَةَ لَا تَحِلُّ لِمُحْتَرَفٍ، وَ لَا لِذِي مِرَّةٍ سَوِيٍّ قَوِيٍّ، فَتَنْزَهُوا عَنْهَا؛ (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۱۷۴/۱۰) ق:

صدقه (گرفتن زکات) بر صاحب حرفه حلال نیست، و نه بر شخص سالم نیرومند، پس از آن دوری جوید.

بنابراین اگر قرار بر پرداخت به همه اقشار جامعه باشد؛ اتفاقی که رخ می دهد، این است که زکات به سوی گروه های هدف و فقرا که صاحبان اصلی دریافت این حق هستند، تزریق نمی شود و از آن محروم می شوند و فشارهای تورمی ناشی از این توزیع ناصواب، گریبان جامعه را می گیرد. همینطور امام صادق(ع) در رساندن زکات به اهلش می فرماید:

بَعَثَنِي إِنْسَانٌ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) زَعَمَ أَنَّهُ يَفْزَعُ فِي مَنَامِهِ مِنْ امْرَأَةٍ تَأْتِيهِ قَالَ فَصَبَحْتُ حَتَّى سَمِعَ الْجَبْرَانَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع اذْهَبْ فَقُلْ إِنَّكَ لَا تُؤَدِّي الزَّكَاةَ قَالَ بَلَى وَ اللَّهُ إِنِّي لَأُؤَدِّيهِمَا فَقَالَ قُلْ لَهُ إِنَّ كُنْتُ تُؤَدِّيهِمَا لَا تُؤَدِّيهِمَا إِلَى أَهْلِهَا. (مجلسی، چاپ مکرر: ۱۵۹/۵۸)

فردی، مرا نزد امام ششم(ع) فرستاد تا در مورد خوابش جویا شود. او از زنی که به خوابش می آمد، می ترسید. (و این هراس به گونه ای بود که گوید: فریاد کشیدم و همسایه ها شنیدند. امام(ع) فرمود: برو بگو، تو زکات نپرداختی. گفت: چرا به خدا می پردازم. و حضرت فرمود: به او بگو اگر می پردازی، به اهلش نمی رسانی.

از این روست که یکی از مسئولیت های اخلاقی که در بحث فقهی زکات وجود دارد این است که پرداخت کنندگان زکات، مسئولیت اخلاقی دارند که این با نظارت، اطمینان حاصل کنند که انفاق به مستحقین صورت گیرد، تا کارشان ابتر نماند و این گونه است که فقه نیازمند اخلاق است.

دعوت به نظم در انجام امور

مسئولیت حاکم اسلامی، در برطرف نمودن نیازهای مردم و نیز سامان بخشیدن به زندگی مستحقین دریافت زکات، مستلزم توجه مکلفین به این فریضه الهی و عمل به موقع به آن است. وصیت امیرالمؤمنین (ع) به فرزندش این گونه است:

وَالزَّكَاةُ فِي أَهْلِهَا عِنْدَ مَحَلِّهَا؛ (مجلسی، چاپ مکرر: ۹۸ / ۷۵)

زکات را در موقعش به اهل آن بپرداز.

بنابراین با این احساس مسئولانه، اضطراب از زندگی مسلمانان مرتفع؛ و مصالح جامعه اسلامی به خوبی تدبیر می‌گردد؛ و این وقت‌شناسی که خود فضیلتی اخلاقی است در عملی فقهی متبلور می‌شود و از این همراهی فقه و اخلاق جامعه انسانی بهره‌مند می‌گردد.

همیاری آشنایان

کمبودهای اقتصادی می‌تواند، منشأ برخی از ناهنجاری‌های اجتماعی در یک جغرافیای خاص گردد. پرداخت زکات و مصرف آن در همان مکان که زکات دهندگان زندگی می‌کنند، به عنوان راهی برای فقرزدایی منطقه ای و کاهش معضلات اجتماعی به شمار می‌آید. امام صادق (ع) در خصوص سیره نبوی (ص) در تقسیم زکات به مستحقین دریافت آن، در همان منطقه فرمود:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَقْسِمُ صَدَقَةَ أَهْلِ الْبَوَادِي فِي أَهْلِ الْبَوَادِي وَ صَدَقَةَ أَهْلِ الْحَضَرِ فِي أَهْلِ الْحَضَرِ؛ (طباطبایی، ۱۳۷۸ ش: ۸۰ / ۱)

رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) زکات دهات را در میان اهل ده، و زکات شهر را در بین اهل آن تقسیم می‌کرد.

با توجه به فراخوانی دین مبین اسلام به منظور همیاری و همکاری در سطح جامعه، افراد غنی و مؤمنان به پرداخت زکات، در جهت پاکسازی محیط اجتماعی خود اقدام به انجام این واجب الهی می‌نمایند و با مصرف آن در محل زندگی خود، از آثار مثبت آن برخوردار می‌شوند. بنابراین برای جلب مشارکت و تشویق مسلمانان، نشان دادن فواید و برکات اخلاقی حاصل از پرداخت زکات، بر سالم‌سازی اجتماع، مؤثر است؛ و توجه به مصرف درآمد حاصله از زکات، در همان منطقه محل جمع‌آوری زکات، امری اخلاقی است.

کسب رضایت الهی

دین مبین اسلام برای برقراری نظام مطلوب گردش پول و وجود نقدینگی در بیت‌المال ساختاری تحت عنوان زکات را طراحی نموده است. ملاک و معیار پرداخت این حق مالی در نظام اقتصادی اسلام، درآمد و ثروتی است که از طریق حلال و شرعی کسب شده و خارج کردن زکات موجب برکت و طهارت در مال از خبث و پلیدی و تولید ثروتی حلال از طریق ایجاد رابطه

در معاملات میان مردم می‌گردد و این گونه است که رضایت الهی را در پی دارد. خداوند متعال می‌فرماید:

وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رَبًّا لِيَرْزُبُوا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْزُبُوا عِنْدَ اللَّهِ وَ مَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْغِفُونَ؛ (الروم، ۳۹)

آنچه به عنوان ربا می‌پردازید تا در اموال مردم فزونی یابد، نزد خدا فزونی نخواهد یافت؛ و آنچه را به عنوان زکات می‌پردازید و تنها رضای خدا را می‌طلبید (مایه برکت است؛ و) کسانی که چنین می‌کنند دارای پاداش مضاعفند.

مراد از ربا همان ربای حرام، و مراد از زکات همان زکات واجب است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۲۷۷/۱۶) امام محمد باقر (ع) نیز درباره رابطه زکات و روزی می‌فرماید:

وَالزَّكَاةُ تَزِيدُ فِي الرِّزْقِ؛ (مجلسی، چاپ مکرر: ۱۸۳/۷۵)

زکات موجب افزایش روزی است.

بنابراین کسب رضایت الهی فضیلتی است که با عمل به آموزه فقهی زکات نیز می‌تواند حاصل گردد.

پذیرش احسان

یکی از عوامل پیشرفت اسلام و قوام آن، حقوقی است که توسط شارع مقدس پیش‌بینی و بر اساس آن مقرراتی وضع شده است تا حاکم جامعه اسلامی بتواند از آن طریق به اصلاحات اجتماعی مورد نظر در جهت هموار نمودن مسیر مسلمانان برای دستیابی به حیات طیبه نائل آید. بنابراین حیاء و احساس شرمساری جهت اجرای این حق اجتماعی خلی در رسیدن به این اهداف خواهد بود. امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید:

تَارِكُ الزَّكَاةِ وَ قَدْ وَجَبَتْ لَهُ كَمَانِعُهَا وَ قَدْ وَجَبَتْ عَلَيْهِ؛ (صدوق، ۱۴۰۶ق: ۲۳۶)

کسی که گرفتن زکات (به خاطر نیاز شدیدی که دارد) برای او واجب است، ولی از گرفتن آن خودداری می‌کند، به منزله کسی است که از پرداخت زکات واجب سر باز می‌زند.

بر این اساس هر انسانی موظف است، جهت تکمیل برنامه تکاملی بشر در سایه قرب الهی و با علاقه و افتخار، به مسئولیت و وظیفه خود آگاهی داشته و بر اساس آن ایفای نقش نماید. بنابراین همان گونه که غنی موظف به پرداخت زکات است؛ مستحقین دریافت زکات نیز، مکلف به پذیرش این احسان هستند. و این بیانگر نیازمندی فقیر و غنی در نظام اخلاقی اسلام به یکدیگر است.

حفظ حرمت ثروت

ثروت و اموال، باید به عنوان ابزاری برای اقامه اهداف متعالی در نظر گرفته شود. بنابراین اگر ثروت، به دلایلی مانند ثروت‌اندوزی اغنیاء و راکد ماندن اموال در دست آنان، منجر به پیاده‌سازی برنامه تربیتی دین نشود، حرمت آن مال شکسته خواهد شد و همان‌گونه که از امام صادق(ع) نقل شده است که رسول خدا(ص) فرمودند:

ملعون ملعون مال لا یزگی؛ (صابری یزدی و همکاران، ۱۳۷۵ش: ۳۱۹)

مالی که زکات آن پرداخت نشود، ملعون است؛ ملعون است.

بنابراین یکی از حقوق اخلاقی مال و ثروت، این است که حرمتش حفظ گردد؛ و این امر میسر نمی‌گردد جز این که از راه مشروع کسب و در راه صحیح استفاده شود؛ و زکات به عنوان یکی از راههای استفاده از مال و خرج کردن آن در راه صحیح است.

توجه به رشد اخلاقی خانواده

نهاد خانواده، کارکردهای بسیاری دارد. در ساختار جامعه اسلامی، خانواده به عنوان مکانی برای تأمین حمایت‌های روانی، اجتماعی، ایمانی و ... به شمار می‌آید. توجه به رشد اخلاقی اعضای خانواده، از جمله قواعد حاکم بر نهاد خانواده می‌باشد. خداوند متعال در این خصوص می‌فرماید:

وَ كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ كَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا؛ (مریم، ۵۵)

او همواره خانواده اش را به نماز و (پرداخت) زکات فرمان می‌داد؛ و همواره مورد رضایت پروردگارش بود.

امر به اقامه نماز و برقراری پیوند و رابطه با خالق، همچنین فرمان به پرداخت زکات و مرتبط با خلق خدا بودن و نیز انجام اعمالی که موجبات خشنودی خداوند را فراهم نماید، از جمله صفات پیامبر بزرگ الهی است. خداوند متعال در این آیه علاوه بر تکیه بر وفای به عهد، و توجه به تربیت اعضای خانواده، به اهمیت فوق العاده این دو وظیفه الهی اشاره می‌نماید. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش: ۹۵ / ۱۳)

بنابراین رشد اخلاقی خانواده با عمل به تکالیف فقهی و عمل به تکالیف فقهی در توجه به اخلاق در خانواده است.

رسیدن به آرامش

از جمله برنامه‌های تربیتی اسلام، به انجام منظم عبادات می‌توان اشاره نمود که می‌تواند روشی مناسب برای پرورش شخصیت انسان بوده و زمینه‌ساز رساندن انسان به شرایط پایدار روحی و روانی باشد. عباداتی مانند زکات، نقش بسزایی در آرامش انسان دارد و خداوند متعال در

این باره می فرماید:

خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلَّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ (التوبه، ۱۰۳)

از اموال آنها صدقه ای (بعنوان زکات) بگیر، تا بوسیله آن، آنها را پاک سازی و پرورش دهی! و (به هنگام گرفتن زکات،) به آنها دعا کن؛ که دعای تو، مایه آرامش آنهاست؛ و خداوند شنوا و داناست!

در جمله «إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ» کلمه «سکن» به معنای چیزی است که دل را راحتی و آرامش بخشد، و منظور این است که نفوس ایشان به دعای تو سکونت و آرامش می یابد، و این خود نوعی تشکر از مساعی ایشان است، هم چنان که جمله «وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» مایه آرامشی است که دل های مکلفینی که این آیه را می شنوند و یا می خوانند بوسیله آن سکونت می یابد. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۹/ ۵۱۲)

و از این روست که این تشکر و نتیجه اش که آرامش است، از فضیلت هایی است که در پیوند فقه و اخلاق رخ می دهد.

حسن ظن

حسن ظن؛ آن است که بندگان به وعده های الهی امیدوار باشند؛ به سوی او رغبت نمایند؛ و عامل به تکالیف الهی باشند. زکات؛ یکی از آن دسته از تکالیف است که وعده های الهی در مورد آن در قرآن و روایت وارد شده است. امام صادق (ع) می فرماید:

الْقَرْضُ الْوَاحِدُ بِثَمَانِيَةِ عَشَرَ وَ إِنْ مَاتَ اخْتِسِبَ بِهَا مِنَ الزَّكَاةِ؛ (صدوق، ۱۴۰۶ق: ۱۳۸)

ثواب قرض هجده برابر است، و چنانچه قرض گیرنده بمیرد، آن مال جزو زکات حساب می شود.

و این گونه است که با بیمه شدن اموال همان گونه که حضرت علی (ع) در مورد حفظ ذخایر فرمودند:

حَصَّنُوا أَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاةِ؛ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۲۲۱)

اموال را با زکات بیمه کنید.

بنابراین حسن ظن، به سبب وعده ها و امید به تحقق آن بر زندگی مؤمنین سایه می افکند و این گونه است که فضیلت اخلاقی حسن ظن، مسلمان را به انجام تکلیف فقهی، تشویق می نماید.

نتیجه گیری

انجام عمل صالح، سختی‌های خود را به همراه دارد؛ و یکی از راههای آسان نمودن انجام تکالیف فقهی، همراهی آن با فضیلت‌های اخلاقی است. در این مقاله، برای نسبت سنجی رابطه میان فقه و اخلاق، آموزه فقهی زکات را مورد بررسی اخلاقی قرار داده و برای این مهم، با استناد به آیات قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم‌السلام) دریافت شد که مبتنی بر مبانی پرداخت زکات، فضیلت‌هایی اخلاقی مانند عدالت، تقویت تعلق به ساختار ولایی، خدمت‌رسانی به مردم، دعوت به انجام خیرات، آسان‌گیری در انجام تکلیف، داروی رذایل اخلاقی، اهتمام به امور مساکین، تبلور انصاف، حمایت در سایه عزت، انفاق به مستحقین، دعوت به نظم در انجام امور، همیاری آشنایان، کسب رضایت الهی، پذیرش احسان، حفظ حرمت ثروت، توجه به رشد اخلاقی خانواده، رسیدن به آرامش و حسن ظن، در باطن زکات وجود دارد.

از این روست که جامعه‌ای که در آن، مردمانی سیر و مردمانی گرسنه باشند، جامعه‌ای اخلاقی به شمار نمی‌آید و تداوم این سبک زندگی، منجر به نابودی آن جامعه خواهد شد. از آن جایی که نظرگاه اسلام درباره اموال، این است که مسلمانان، قسمتی از این اموال را برای گذران زندگی شرافت‌مندانه و اعتدالی خود و خانواده‌شان مصرف نمایند و بخشی دیگر را برای رفع احتیاجات افراد نیازمند، در نظر بگیرند؛ و این همان فقه معطر به نام بلند اخلاق است. بنابراین فقه و اخلاق در همراهی با یکدیگر سبب رسیدن انسان به سعادت و قرب الهی نقش‌آفرین خواهند بود.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن شعبه حرانی، ابو محمد الحسن بن علی، (۱۴۰۴ق)، تحف العقول عن آل الرسول (صلی الله علیه وآله وسلم)، قم: جامعه مدرسین، چاپ دوم.
۲. ابن شهر آشوب مازندرانی، (۱۳۷۹ق)، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، قم: علامه.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر، چاپ سوم.
۴. انصاری، مرتضی، (۱۴۱۵ق)، کتاب الزکاة، محقق: گروه پژوهش در کنگره، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، چاپ اول.
۵. پاینده، ابو القاسم، (۱۳۸۲)، نهج الفصاحه مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (صلی الله علیه وآله وسلم)، تهران: دنیای دانش، چاپ چهارم.
۶. جوادی، محسن، چشم اندازی به اخلاق در قرآن، نقد و نظر، سال ۴، ش ۱، ۲، (زمستان ۱۳۷۶، بهار ۱۳۷۷)
۷. حق شناس و دیگران، (۱۳۸۴)، فرهنگ معاصر هزاره، تهران: فرهنگ معاصر.
۸. حکیمی، محمد و همکاران، (۱۳۸۰)، الحیاء، مترجم: احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۹. خرمشاهی، بهاء الدین و انصاری، مسعود، (۱۳۷۶)، پیام پیامبر، تهران: منفرد، چاپ اول.
۱۰. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۳)، لغت نامه، زیر نظر دکتر معین و دکتر شهیدی، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۱. دیلمی، شیخ حسن، (۱۴۱۲ق)، ارشاد القلوب الی الصواب، قم: شریف رضی، چاپ اول.
۱۲. شیخ مفید، ابو عبد الله، محمد بن محمد بن نعمان عکبری، (۱۴۱۳ق)، امالی، قم: کنگره شیخ مفید، چاپ اول.
۱۳. صابری یزدی، علی رضا و محمدرضا انصاری محلاتی، (۱۳۷۵)، الحکم الزاهره، مترجم: انصاری، قم: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ دوم.
۱۴. صدوق، محمد بن علی (ابن بابویه)، (۱۴۰۶ق)، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم: دار الرضی، چاپ اول.
۱۵. صدوق، محمد بن علی (ابن بابویه)، (۱۴۰۳ق)، معانی الأخبار، قم: جامعه مدرسین، چاپ اول.
۱۶. صدوق، محمد بن علی (ابن بابویه)، (۱۴۰۴ق)، من لا یحضره الفقیه، قم: جامعه مدرسین، چاپ دوم.

۱۷. طباطبائی، سید محمدحسین، (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: انتشارات اسلامی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
۱۸. طباطبائی، سید محمدحسین، (۱۳۷۸)، *سنن النبی صلی الله علیه وآله*، مترجم: محمدهادی فقهی، تهران: کتاب فروشی اسلامیة، چاپ هفتم.
۱۹. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، (۱۴۰۷ق)، *تهذیب الأحکام*، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چاپ چهارم.
۲۰. طوسی، خواجه نصیرالدین، (۱۳۵۶)، *اخلاق ناصری*، تصحیح: مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، تهران: خوارزمی.
۲۱. عاملی، زین العابدین و کاظمی خلخالی، (۱۳۸۰)، *الجواهر السنیة - کلیات حدیث قدسی*، تهران: انتشارات دهقان، چاپ سوم.
۲۲. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، (۱۴۰۶ق)، *الوافی*، اصفهان: کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام، چاپ اول.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۳)، *گزیده کافی*، مترجم: بهبودی، محمد باقر، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول.
۲۴. مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، تهران: انتشارات اسلامیة، چاپ مکرر.
۲۵. مصباح یزدی، مجتبی، (۱۳۸۴)، *بنیاد اخلاق*، روشی نو در آموزش فلسفه، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چاپ اول.
۲۷. موسوی خمینی، سید روح الله، (۱۴۲۵ق)، *تحریر الوسیلة*، قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم، چاپ اول.